

## نغمه‌ی ناموزون



محمد غفوری  
دبیر تحریریه

را در جهت زنده نگه داشتن این مسئله و طرح دوباره‌ی آن صورت داده‌اند، مهم‌ترین نهاد و مرجع رسمی در زمینه‌ی مسائل زبان فارسی، یعنی «فرهنگستان زبان و ادب فارسی»، ضمن تأکید صریح بر ضرورت حفظ خط کنونی، به اقداماتی چند، جهت یکسان‌سازی رسم‌الخط و بهبود امکانات آن برای مواجهه با دشواری‌های ناشی از فناوری دیجیتال، دست زده است. داوری درباره‌ی اینکه این اقدامات تا چه اندازه موفق بوده است و خواهد بود، نیازمند گذر زمان و رصد دقیق روندها و پیامدهای اجرایی آیین‌نامه‌های فرهنگستان است.

اما چرا باید این پرونده و باب بحث درباره‌ی مسائل خط (و نه مسئله‌ی خط) را بازگشود؟ گذشته از فوران گاه‌وبیگاه آتشفشان خاموش روشن‌فکری، پای مسائلی تخصصی‌تر نیز در میان است. طبیعی است که اصحاب بازار نشر و تولیدات فرهنگی، نیازمند و گرایش‌مند به داشتن یک نظام‌نامه‌ی منسجم و قابل اتکای نوشتاری هستند که دست‌کم تشتت و عدم توازن صوری در رسم‌الخط مورد استفاده را تا اندازه‌ای برطرف سازد. این نخستین ضرورت پیش پای برنامه‌ریزان و مراجع فرهنگی در کشور است. البته چنان‌که خواهیم خواند، بسیاری از تلاش‌های فرهنگستان در این زمینه، چندان جدی گرفته نشده است. از این گذشته، پای مسائل اجتماعی پُردامنه‌تر و عمومی‌تری چون مسئله‌ی آموزش همگانی و امکان فراگیری زبان فارسی توسط غیرفارسی‌زبانان نیز در میان است. فهرست بلندبالایی از این مشکلات را به‌سادگی می‌توان فراهم آورد، اما اینکه این مشکلات تا چه اندازه واقعاً «مشکل» و «مسئله» هستند، امری است که قضاوت درباره‌ی آن ساده نیست.

هریک از ابزارهای انتقال فرهنگی و در رأس آن‌ها خط، امتیازات و کاستی‌های ویژه‌ی خود را دارند، اما کاستی‌های آن‌ها زمانی در کانون مشاجرات تخصصی و غیرتخصصی قرار می‌گیرد که به معنای واقعی و به‌شکلی محسوس، فرآیند انتقال فرهنگی را دچار اشکال سازد. ناتوانی یک «خط» در پاسخ‌گویی به نیازهای آموزشی و ارتباطی یک سازمان اجتماعی و ارتباطی، تنها زمانی محرز خواهد شد که شاهد بحرانی فراگیر در هر یک از این زمینه‌ها باشیم. بزرگ‌نمایی دشواری‌های کوچک و طبیعی در هیئت یک بحران موهوم، هیچ‌گاه نه برنامه‌ریزان و نه حتی عادی‌ترین کاربران یک ابزار فرهنگی را متقاعد به دگرگونی بنیادین یا اعمال اصلاحات فراگیر در آن ابزار نخواهد کرد. در اینجا در واقع نه پای منازعات تخصصی و رشته‌ای و نه پای رویارویی‌های به‌ظاهر فرهنگی در میان است، بلکه آنچه تعیین‌کننده و تصمیم‌گیرنده‌ی نهایی است همان عقل سلیم همگانی است که می‌تواند هزینه-فایده‌ی یک دگرگونی فرهنگی را بسنجد و در نهایت، رأی به استقبال یا مقاومت در برابر این دگرگونی دهد.

عقلانی‌ترین راهبردی که در حال حاضر در قبال مسائل شناخته‌شده و موجود خط فارسی می‌توان تصور کرد، راهبردی اصلاح‌گرانه است که بتواند با بررسی‌های دقیق کارشناسانه، در گام نخست، مجموعه‌ای از راهکارها را برای برقراری وحدت شکلی در مجموعه‌ی تولیدات فرهنگی مکتوب به زبان فارسی، عرضه دارد و سپس تمهیداتی بیندیشد برای مقابله با مشکلات پُرشمار و گاه جدی که هر روز در گستره‌ی پهناور جهان مجازی سر برمی‌آورد. پرونده‌ی پیش رو، که بازتاب‌دهنده‌ی دیدگاه‌های شماری از متخصصان و نخبانان فرهنگی درباره‌ی مسئله‌ی تغییر خط فارسی یا اصلاح آن است، با این هدف در این شماره گنجانده شده است که بتوان گام‌هایی در جهت مقدمه‌چینی‌هایی نظری برداشت که برای تمهید راهکارهایی مؤثر و عملی در جهت رفع پاره‌ای از دغدغه‌های بجا و مقابله با دشواری‌های عینی و ملموس پیش روی تولیدکنندگان آثار فرهنگی مکتوب، ضروری به نظر می‌رسد. ▲

بیرون کشیدن پرونده‌های به‌ظاهر مختومه‌ی فرهنگی از بایگانی دادگاه تاریخ، این خطر را به‌همراه دارد که زمینه‌ای برای طرح دوباره‌ی ادعاهای به‌حق یا ناحق محکومان و گلابه‌ها و شکایات دوباره‌ی مخالفان و شاکیان آن پرونده را فراهم آورد. مسئله‌ی تغییر خط، که امیری فیروزکوهی شاعر کلاسیک معاصر از آن با عنوان «نغمه‌ی ناموزون» یاد کرده بود، یکی از همین پرونده‌های فرهنگی گردوخاک‌گرفته است که هرازچندگاهی دوباره به جریان می‌افتد.

نخستین زمزمه‌ها برای تغییر یا اصلاح خط فارسی هم‌هنگام با نخستین تکاپوهای اصلاح‌گرایانه‌ی فرهنگی و سیاسی در ایران عصر مدرن به گوش رسید. بسیاری از اصلاح‌طلبان فرهنگی و روشن‌فکران ایران در آستانه‌ی جنبش مشروطیت، در صدر فهرست پیش‌زمینه‌های فرهنگی دگرگونی اجتماعی و سیاسی مورد نظر خود، مسئله‌ی تغییر نظام آموزشی سنتی و بهسازی و انطباق آن با دانش و نظام دانایی مدرن را قرار داده بودند. یکی از مهم‌ترین ابزارهای این اصلاح فرهنگی نیز چیزی نبود مگر اصلاح خط فارسی که از نظر بسیاری از این اندیشمندان یکی از موانع اصلاح نظام آموزشی محسوب می‌شد. پیش‌تازان فکری مشروطیت چون آخوندزاده، ملک‌خان و مستشارالدوله، هرکدام به درجاتی مختلف، بر تغییر یا اصلاح خط فارسی به منظور تسهیل آموزش و انتقال دانش تأکید داشتند و حتی پیشنهادهایی عملی را نیز در این خصوص عرضه نمودند. برخی از آنان حتی کوشیدند تا ضرورت اصلاح خط را از طریق توسل به استفتاء از علمای سرشناس و نشان دادن همسازی و عدم منافات مسئله‌ی تغییر خط با آموزه‌های بنیادین شرع، برجسته‌تر سازند.

تلاش‌های این روشن‌فکران البته به جایی نرسید؛ چه اینکه هم زمینه‌های تحقق عملی آن فراهم نبود و هم اینکه این پیشنهادها اساساً دچار نوعی شتاب‌زدگی و خطا در تشخیص مسئله بود. اما با این حال، مسئله‌ی تغییر خط، به‌عنوان مناقشه‌ای دامنه‌دار، در دوره‌ی پهلوی نیز باقی ماند و در شمار روشن‌فکران و اندیشمندانی که به این مناقشه دامن می‌زدند، بسیاری از سرشناس‌ترین و خوش‌نام‌ترین چهره‌ها و کارگزاران فرهنگی ایران معاصر نیز قرار داشتند. برخلاف مباحثات دوره‌ی مشروطیت بر سر این مسئله، که اساساً سرشتی فرهنگی داشت، مناقشات دوره‌ی پهلوی رنگ‌وبویی سیاسی به خود گرفت و موضوع تغییر خط، محملی شد برای طرح اتهاماتی سیاسی و ملی. دو طرف ماجرا هرکدام یکدیگر را صریحاً یا تلویحاً به خیانت،

بیگانه‌پرستی و یا ارتجاع و محافظه‌کاری متهم می‌کردند. در این میان، پیروزی نسبی با مخالفان تغییر خط بود و تکاپوهای کم‌رمتق فرهنگستان برای انجام پاره‌ای اصلاحات در خط فارسی به نتیجه‌ای نرسید و با پیروزی انقلاب اسلامی، به فراموشی سپرده شد.

تلاش‌های پس از انقلاب در این زمینه، بسیار کم‌رمتق و بی‌تأثیر بوده است. پیشینه‌ی متخصصان زبان‌شناس و ادبیات بزرگ کشور، قاطعانه با اعمال هرگونه دگرگونی فراگیر و بنیادین در خط کنونی فارسی مخالفت ورزیده‌اند. گذشته از برخی گروه‌ها و محفل‌های غیررسمی که تلاش‌هایی خودانگیخته و کم‌دامنه

### حکایات

دزویی پم‌فامی زسید لِه صاحب ان  
بُوعه کُزیم آلن‌نؤن بؤد، طایفه اهل  
وُضل و بالاءة دز صُحبَة او هز پئی  
بذله و لطیفة جنان لِه زسوم طاریون  
باشد همی کُفتند، دزویی راه پیاپان  
قُطع کُزده بؤد و مانده شُده و چویی

خط اختراعی میرزا ملک‌خان ناظم‌الدوله